

توانا بود هر که دانا بود

دانشگاه تهران

دانشکده داروسازی

پایان نامه

برای دریافت درجه دکترا از دانشگاه تهران

استاد راهنما : جناب آقای دکتر اردوبادی

موضوع

مسئولیت باکتری

طل پورولونیک - عوارض مسوویت - درمان

نکاتش :

محمد بهرامی

سال تحصیلی - ۱۳۴۶

۶۱۶۰

تقدیرم پیوسته :

مسافرین پیوسته از من نزم

که وجودم را پیوسته سرورد .

تاریخ رسم پیمانہ :

پہلے رسم پیمانہ و پیمانہ اکرام

تقدیریم به :

خودشانند آن همه ز  
آنان ، که بانها اندیشه و سلطنت نظری  
خواهان سلامت و رفاهتم بودند  
و همواره از نظر فکری روحی تقویت می نمودند

تقدیریم به :

مقام ریاست محترم

دانشگاه داروسازی

جناب آقای دکتر جمشید منتظری

تقدیرم به :

پیشگاه محترم استاد دانشمند  
جناب آقای دکتر احمد مهراردی  
استاد محترم دانشکده داروسازی  
با سپاس فراوان از الطاف و راهنمایی های گرانبه  
آن استاد ارجمند .

تفہیم : —————

ہر ایک محتسب اور تفہیم

مجلس شورای عالی

مجلس شورای عالی



## سرآغاز

- ستایش و نهایت فراوان بدرگاه بکران پروردگار مهربان و آفریدگار بزرگه زمین و آسمان  
و خداوند بخشاینده جان و روان او آفریننده توانای علم و دانش ....
- و سپاس بیحد و بی پایان بر ذات پاکتر که دانش بر انسان ارزانی داشت و بدین سان انساناً  
ضعیف را آنچنان نیرومند ساخت که بدون پروبال برای آسمانها پرواز کند و بهتـر  
و برتر از دوزستان در اقصای ژرف دریاها کنکاش نماید و نیز دل تیره خاک را بشکافد  
و در آن بکاوش بردارد و موجد پیشرفت‌های شگرف شود در مشون مختلف زندگی گردد .
- و درود بی پایان تبار سرور کائنات حضرت محمد (ص) باد که فرمود :
- همه فتری سخوترا از نادانی و جهل و هوای نرستی سودمندتر از علم و عقل نیست .
- و جاهلان باید نام علمی ( ) پیشوا بزرگ اسلام که سه نهی فرمود :
- دانش گنجیست شایگان که نابود نشود و خود را به این سه نهی که فرموده نگردد .
- دانش تو را رستگار سازد و نادانی به تباهی اندازد .
- و این است عمارت نوزادگان :
- دانش چشمه ایستزاینده و دولتی است پاینده و نهروثیست شکست و پابنده هر کس خود را  
بجامه زیبای دانش آرایند برجاه و ارجش افزاید و شک را به آسایش و به روزی رساند و برکمال  
انسانیتش رساند .

با پیشرفت‌های روز افزونی که امروزه در رشته های متعدد علوم و بالنتیجه در فئون مختلف زندگی پدیدار گشته تجربه بیوت رسیده است که میتوان با گسترش هر چه بیشتر دانش علوم درجهات گوناگون بختای عالی تر و قانع کننده تری رسید و خوشبختانه علم اکسون

که بعد از سالها و قریباً تحقیقات و مطالعاتی که در زمینه علم سم شناسی ( Toxicologie )

که خود رشته مهمی از علوم امروزه است بحسب آمده دیگر بار نمی توان این علم را محدود شده بحاطت در افراد علوم خارجی دانست و شناخت و برهان مواردی که بتدریج طی گذشت سالهای اخیر شایعتر شده و مورد توجه بیشتر قرار گرفته است بهررسی و تحقیق در اطراف اثرات سوء و سمی موادی است که بدن خود بوجود آورنده آنان بوده ولی بحمل اختلالات مولوژیک داخلی و خصوصاً اشکال در اعمال جذب و دفع آنها که رو به سرعت بسیار

مواد مذکور در بدن مبادند و سمومیت هائی بروز می نماید که از نارشدت عوارض و اثرات سمی کمتر از سموم خارجی نبوده و میتوان آنها را تحت عنوان سمومیت های داخلی

مورد مطالعه قرار داد ( Autointoxication ) از آن جمله است سمومیت های حاصله از افزایش نوره خون یا ( Uremie ) دیابت قهقری

اکزالمی ( Oxalemie ) سمومیت های دوران آبستنی و غیره .

از ذکر این مطالب ناگزیر است که منظور از سمومیت با نوره ه اعاءه مقدار نوره در بدن یا نوره خونیست که بهررطی اهم از نقش عمل دفع نوره از بدن و بحالت اختلالات

پهلوژیکی داخلی ویا سمومیت در نتیجه استعمال ترکیبات شیمیائی نوره و غیره باشد که امروزه این افزایش نوره خون بعضی مختلفه را تحت عنوان «پورسی مورد بحث» و تحقیق قرار میدهند.

نوره بحیزان همین یکی از ترکیبات خونست. نوره یکی از مواد زائد و مهمی است که پس از صرف غذا (خصوصاً مواد پروتئید) بعد از عمل جذب در بدن تولید میگردد، اما داشتن نوره بیشتر از حد را باید بیماری غیر طبیعی دانست. نوره که طبعاً در حالات عادی و طبیعی منبسط و دفع گردد. در درجهای نارسانی های کلیوی و نوری، بخاطر زیادتری در خون باقیمانده و همراه با سایر مواد زائد از تنه دیگر (که در ضمن ناتوانی اعمال کلیوی از دنیا میمانند) بتمام نقاط بدن سرریز نماید.

نوره انسانی و دفع نشده بتمامی دستگاههای بدن میرسد. با اصابه متنفذ قلب و گوارش، چشم و حتی پوست میجو. و نتیجتاً اثرات مضر آنرا در هر عضوی بطریق مساوی ویا شدتی هر چه بیشتر بدور «انعام» های «انسان» دفع های مختلفه

هذها نهی گوناگون بتمامی نفسی های شدید و خسته کننده «پریکار دیت» ها

آسیستولی ها، اسهال های خونی، استراخ ها و نوره نمایان میسازد.

پیشرفت های کنونی علوم پزشکی ایجاد نمینماید که «نوره» از استمرار درون بشر

برده برداری شود تا در شناسائی بیشتر و بهتر پیشینه های آنریش نکات مهمی

موجود نباشد.

شاید این مجمل کم از البین این حقیقت را اقتضای نکند ولی تذکاری خواهد بود  
برای آیندگان که علاقتند به تحقیقات بیشتری بوده که لابد دنباله آنرا گرفتند  
وین شك بقتایح مطلوب تری خواهند رسید .  
وظیفه خود میداند «بئلا» از مساعی پر ارج جناب آقای دکتر اردو بهادی استاد  
محترم دانشکده داروسازی که رهبری و راهنمایی این پایاننامه را تقبل فرموده اند  
سهیمانه سپاسگزاری نماید .

محمد بهجو

## نور و ترکیبات شیمیائی آن

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

شوره -

شوره

شوره یا کاربامید ( Carbamid ) یا نفرین ( Nephurine )

یا ماده صابونی ادرار در سال ۱۷۷۲ توسط روتل ( Rouell ) کشف شد

و چون ادرار گرفت بنام ماده عامله صابونی ادرار نامید پرازان دو موس ( Dumas )

( Zoller ) و سایرین اثر آمیدی آنها شناختند و در سال ۱۸۲۸ و هلمر ( Helmer )

شوره را مصنوعاً تهیه نمود و برای اولین دفعه بود که یک ماده حیوانی و آلی را از راه

صنعتی تهیه نمودند .

شوره در نزد انسان آخرین مرحله متابولیسم از ته پروتئین هاست که در کبد تهیه

میشود .

ترکیب شیمیائی - شوره یک دی آمید کاربونیکی یا کاربامید می باشد .



شوره جسمی است بی بو و بی رنگ مشهوره ای برای چهار ضلعی کریستالیزه شده .

در آب بسیار محلول ( یک قسمت شوره در یک قسمت آب ) شوره برای بدن و کلیه جنزاسه

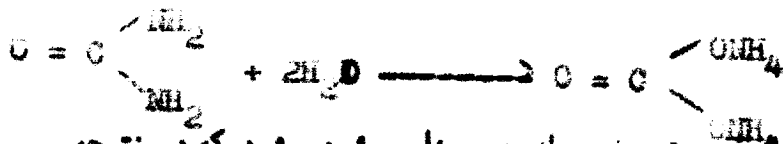
یک ماده دفعی ایده آل میباشد که با آسانی دفع میگردد . شوره در ۵ برابر الکل محلول و

در اثر غیر محلول است . شوره در نتیجه «وشاندن منسوجات» در محیط اسید ضعیف یا قلیائی

هیدراته شده به کربنات دامونیوم تبدیل میگردد .

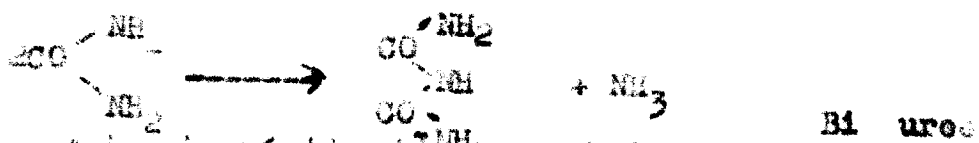
دیا ستاز نوره آز ( Urease ) که در اغلب دانه های لگو مینوز ها مخصوصاً

در ( Soja ) یافت میشود نوره را به کرنات دامونیم تبدیل مینماید .



نوره در حرارت بالاتر از نقطه ذوب تبدیل به یک جسم بنام بی نوره میشود که در نتیجه

تغلیظ دو ملکول نوره با از دست دادن یک ملکول آمونیاک حاصل میشود .



این جسم در ۱۶۰ درجه ذوب شده با زهادی سوز و آثار سولفات کوشوریک رنگ فرمز

بنفش تولید مینماید که بنام واکتر بیوره نامیده میشود .

نوره باعدای از اسیدها تولید املاح مینماید که بعضی ها مانند نترات و اکزالات در

سردی کم محلول است و شکل کریستالها در محلولهای غلیظ رسوب مینماید و نیز رسوب

نترات نوره که در حد قاعده نوره با اسید نیتريك در موش چستجوی آلبومین باسد

( Heller ) تولید میگرد مروط باین واکتر است . اسید نیترو روی دو عامل

نوره اثر کرده آنها به تبدیل مینماید .



هیپوکلریت ها و هیپو برومیت های قلیایی روی نوره مطابق فرمول زیر اثر کرده تولید اجسام

زیرا مینماید :

